



سه طلا از پکن می خواستم

محمد بنا: ده ماه برای ریه عذاب کشیدم

حاجیه وظیفه

آقای خاص، لقبی است برای محمد بنا. اگرچه این لقب ابتدا برای خوزه مورینیو در فوتبال استفاده شد، اما به نظر می‌رسد ماندگاری‌اش برای محمد بنا بیشتر بود. حالا کمتر به مورینیو، آقای خاص گفته می‌شود اما محمد بنا همچنان خاص است؛ بی‌نظیر در کارش و توانمند و باهوش است و از این دو مهم‌تر، تعصب و غیرت او روی تیم است که از فردی خاص ساخته است. در تمام سال‌هایی که کشتی ایران به مسابقات مختلف اعزام شد، با مربیان زیادی کار کرد اما مربی‌ای که به اندازه‌ی محمد بنا روی تیم‌اش تعصب و غیرت داشته باشد، به ندرت یافت می‌شود. به جرات می‌توان گفت کمتر مربی‌ای در طول تاریخ وجود دارد که وقتی کشتی‌گیرش می‌بازد، او هم خودش را ببازد؛ جوری که انگار خودش هم روی تشک بود. با باخت کشتی‌گیران‌اش باخته، با بردشان برده. با گریه‌ی آنها گریه کرده و با خنده‌ی آنها خندیده. چند مربی با چنین دید و چنین عشقی داریم؟ بزرگ‌ترین موفقیت‌های تاریخ کشتی فرنگی به دست او رقم خورد. حتی تنها قهرمانی جهان هم در سال ۲۰۱۴ در دوران او اتفاق افتاد، اگرچه خودش در کنار تیم نبود تا جام قهرمانی را بالا ببرد. حالا او در آستانه‌ی رفتن به سومین المپیک‌اش به عنوان سرمربی است تا یک موفقیت تاریخی را به دست بیاورد. شاید از نظر خیلی‌ها تکرار موفقیتی شبیه به لندن امکان‌پذیر نباشد، اما محمد بنا آن را دور از دسترس نمی‌داند: «شاید در توکیو هم توانستیم نتیجه‌ی لندن را بگیریم؛ کسی چه می‌داند؟ نتایج لندن شاید در توکیو تکرار شد»

به المپیک اهمیتی ندارد، اما پکن خیلی مهم بود اگر می‌ماندید.

المپیک ۲۰۰۸ پکن به یک حسرت بزرگ برای من تبدیل شد. من کسب سه مدال را برای المپیک پکن کنار گذاشته بودم، اما خب نشد که در کنار تیم باشم.

پشیمان نشدید که از تیم جدا شدید؟
آن موقع باید برای گرفتن برخی از حق و حقوق تیم و شخصیت دادن به کشتی فرنگی دعوا می‌کردم.

البته می‌توانست چهارمین المپیک شما باشد و الان بار رکورد منصور برزگر برابر می‌شدید.

خب حالا شاید من در سال‌های آینده هم مانندم و پنج المپیک را تجربه کردم و رکورد منصور برزگر را زدم (با خنده) گاهی اوقات درباره‌ی یک چیزهایی صحبت می‌شود که خنده‌دار است. رکورد؟ چه اهمیتی دارد؟

حرف شما درست که رکورد رفتن

شما برای سومین بار حضور در المپیک را تجربه می‌کنید. در دو المپیک قبلی دو نتیجه‌ی مهم و تاریخی کسب کردید. می‌خواستیم درباره‌ی همین حضور در بازی‌ها صحبت کنیم.

دو المپیک در کنار تیم ملی بودم و این بار برای سوم به المپیک می‌روم. در هر دو المپیک قبلی که بودم، به نظر خودم نتیجه‌ی خوبی کسب کردیم.

یزدانی خرم هم تازه وارد کشتی شده بود و خیلی‌ها درکارها دخالت می‌کردند و اینها برای من قابل قبول نبود. الان آرام هستم، اما آن زمان برای شخصیت دادن به تیم خیلی تند بودم.

به خاطر بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ شروع شد؟

نه قبل از آن، در جهانی هم بود اما خیلی سعی کردم تحمل کنم. مدام جلو آمدم اما در نهایت منجر به جدایی شد.

یک تیم خوب در پکن که به قول شما می‌توانست سه مدال کسب کند.

من قرعه‌ی علی محمدی را بررسی کردم و دیدم اگر کشتی‌گیر بلاروس را شکست بدهد، به راحتی شانس کسب برنز دارد. محمدی به بلاروس باخت و بلاروس، مدال برنز را گرفت. سامان طهماسبی باید در پکن مدال می‌گرفت یا حمید سوریان که یک مدال مهم را از دست داد.

قبل از حضور شما در تیم ملی کشتی فرنگی در سال ۲۰۰۵ هم تیم خوبی وجود داشت که می‌توانست به مدال‌های خوبی برسد.

نسل قبلی کشتی فرنگی بودند که می‌توانستند در المپیک ۲۰۰۴ به مدال برسند. حسن رنگرز، علی اشکانی، پرویز زیدوند، بهروز جمشیدی، مرحوم محسن پودنکی، علیرضا غربی و مهدی شریانی، قهرمان‌هایی بودند که دوست داشتم با آنها کار کنم اما نشد.

در آن مقطع نمی‌توانستید به تیم بزرگسالان ملحق شوید؟

سال ۲۰۰۳، سرمربی تیم ملی جوانان بودم. رشید محمدزاده هم سرمربی نوجوانان بود. همان موقع